



دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی

موضوع:

امامت در سازگاری با خاتمیت

استاد راهنما
دکتر احمد بهشتی

نگارش
اصغر ترابی

دی ماه 1385

چکیده

مسلمانان این مساله را که پس از پیامبر اسلام دیگر پیامبري نخواهد آمد را پذیرفته اند و این دیدگاهی است که از قرآن اخذ شده و آن حضرت را خاتم النبیین نامیده اند ؛ یعنی درحقیقت برهیچ انسانی وحی نازل نخواهد شد و باب وحی برای همیشه بسته خواهد شد ، لکن عده ای اعتقاد شیعیان به مساله امامت را تداوم نبوت می دانند و شبهاتی را مطرح می کنند که معتقد بودن به اشخاصی که با خداوند درارتباط اند و دارای مقام عصمت می باشند نافی وناقض خاتمیت است و به طرح ناسازگاری امامت با خاتمیت می پردازند اما آنچه درواقع می توان گفت این است که ارتباط امام با آسمان از طریق الهام و داشتن مقام تحدیث با نازل شدن وحی و آوردن دین وشریعت متفاوت می باشد همچنین نمی توان از راه نیافتن خطا در پیام ائمه استمرار نبوت را نتیجه گرفت ؛ لذا امامت نه تنها متعارض باخاتمیت نیست بلکه آنها با بیان وتشریح احکام و معارف دین مکمل و متمم نبوت می باشند و گفتار آنان همان حجیت گفتار پیامبر را داراست.

واژگان کلیدی : امامت- خاتمیت- حجیت- نبوت-

عصمت-وحی

فهرست مطالب

1	مقدمه:
4	پیشینه تحقیق:
6	طرح مسأله
8	ضرورت موضوع
11	انگیزه انتخاب موضوع:
12	سوالات اصلی تحقیق:
12	روش تحقیق
14	فصل اول: آثار مترتب بر ختم نبوت
15	معنا و مفهوم خاتمیت:
16	اشکال:
16	جواب اشکال:
16	خاتمیت و قلمرو آن در علوم عقلی و نقلی: ..
18	تحلیل مسأله خاتمیت:
18	اسلام دین همه پیامبران:
21	علل تجدید نبوتها:
22	ذکر یک نکته:
23	راز ختم نبوت:
23	(1) عهد و پیمان خداوند:
24	(2) شخص پیامبر:
24	(3) جامعه بشری این دوران:
25	(4) وجود امامان و اوصیاء:
26	(5) ویژگی تعالیم پیامبر:
26	الف: جامعیت و وسط بودن دین اسلام:

ب: فطري بودن آموزهها و قوانين اسلامي:	28
ج: در اسلام فقط به ظاهر و صورت توجه نشده است.	29
د: اختيارات حاكم اسلامي:	29
ه: حکم عقل و ورود آن در حریم دین:	30
و: اجتهاد و تأثیر آن در بقاء شریعت:	30
ضرورت وجود علما در دین خاتم و نقش آنها:	31
با وجود این علما در دین چه نیازی به وجود امامان است؟	33
آیا عدم ارتباط با عالم غیب لازمه ختم نبوت است؟	35
خاتمیت در قرآن و روایات:	35
فصل دوم: خاتمیت و شبهه روشنفکران.	39
مقدمه	40
اقبال و خاتمیت:	42
پایان حاکمیت غریزه و ظهور عقل استقرائي:	45
پایان یافتن حجیت داشتن ادعای ارتباط با عالم مافوق طبیعت:	48
اشکالات وارده بر نظریات اقبال:	49
اشکالات دیگر اندیشه اقبال	56
بررسی خاتمیت در کلام دکتر سروش:	58
معنای خاتمیت از دیدگاه سروش:	59
نبوت از دیدگاه سروش:	61

63	رحلت پیامبر (ص):
64	تحلیل دیدگاههای ایشان
68	استغنای بشریت از مکتب انبیا در بیان سروش:
70	اشکال این دیدگاه سروش:
73	فصل سوم: امامت
74	مقدمه
76	تقسیمات امامت:
77	تفاوت شیعه و سنی در توصیف امامت:
80	جایگاه و منزلت امام در نزد شیعه و سنی:
81	الف) اهل تسنن:
83	عناصر اصلی نظام امامت در مکتب اهل سنت:
83	ب) نظریه دانشمندان شیعی:
85	عناصر اساسی نظام فکری امامت در مکتب تشیع.
85	اوصاف امام:
86	دیدگاه نقلی:
87	نگاه عقلی و فلسفی:
87	ضرورت امامت:
89	عمدهترین دلایل متکلمان شیعی، عرفا و فلاسفه بر ضرورت امامت
94	امامت جزء اصول دین است یا فروع دین؟
96	نسبت بین نبوت و امامت:

102	فصل چهارم: امامت در سازگاری با خاتمیت...
103	مقدمه
103	مقدمه
110	جوابهای نقضی:
114	پاسخهای دیگر:
119	سرچشمه علوم امامان معصوم:
	نحوه ارتباط پیامبران و امامان با خداوند و
129	محتوای پیام دریافتی آنها:
	نقش و ویژگیهایی که شیعیان برای امامان
131	قائل هستند:
	تأکید بر حجیت قول پیامبر (ص) با انکار حجیت
135	امامان سازگار نیست:
	تأکید فراوان بر حجیت قول پیامبر با چه
142	انگیزهای؟
145	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهاد
145	نتیجه گیری:
149	پیشنهاد:
151	منابع و ماخذ:

مقدمه :

ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله و
خاتم النبیین (احزاب 40)

عقیده همه مسلمانان این است که نبوت با پیامبری رسول مکرم اسلام (ص) پایان پذیرفته است و پس از او پیامبری از جانب خداوند برانگیخته نشده و نخواهد شد؛ پرونده نبوت بسته شده و فرشته وحی دیگر پیامی از طرف خداوند بر بشر نیاورده و نخواهد آورد. اسلام آخرین دین و پیامبرش آخرین رسول الهی است. این مباحثی است که در علم کلام تحت عنوان «خاتمیت» مطرح شده است؛ ولی آیا با ختم نبوت و پایان پیامبری، امت مسلمان به خود وانهاده شده است تا با تکیه بر عقل و آرای خود در مسلمان زیستن و اقامه شعائر خود تکیه کند و به ظاهر از افراد و در باطن از تصمیم خود (انتخاب خود) تبعیت کند؟ یا آنکه پس از ختم نبوت و رحلت پیامبر هم بشر به خود واگذار نمی-شود بلکه همانند زمان حیات پیامبر، انسان ملزم به اطاعت و پیروی از پیشوایان و امامانی منصوب از جانب خداوند گشته است تا کلام شان، حجت و سخنشان در جای سخن پیامبر بنشینند. با دقت در این دو سوال می-توان گفت: در واقع خاستگاه دو مذهب تشیع و تسنن و عامل اصلی به وجود آمدن این دو فرقه از همین دو طرز تفکر بوده است.

مسلمانان این مسأله که پس از پیامبر اسلام، دیگر پیامبری نخواهد آمد را پذیرفته‌اند و جزء اصول مسلم خود می‌دانند و این دیدگاهی است که از قرآن اخذ شده و آن حضرت را «خاتم النبیین» نامیده است؛ لذا اینکه پیامبری پس از پیامبر اسلام نخواهد آمد جزء مسلمات اسلام و برگرفته از نص صریح قرآن است و خاتم النبیین بودن پیامبر به معنای خاتم بودن دین او هم می‌باشد؛ یعنی در حقیقت بر هیچ انسانی وحی نازل نخواهد شد و باب وحی برای همیشه بسته خواهد شد.

اما بحث خاتمیت در کلام جدید با سخنان اقبال لاهوری شروع شده و شهید مطهری هم با نقدهایی که بر سخنان وی نوشته است در بسط این مبحث نقش موثری داشته است. این مباحث مورد توجه افرادی چون: دکتر شریعتی و شهید آیت اله بهشتی و ... که هر کدام نظر خاص خود را داشته‌اند- نیز بوده است و علیرغم اینکه بحث خاتمیت، کم و بیش در گذشته نیز مطرح بوده است در این دوره اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ اما آنچه در اینجا قصد داریم به آن بپردازیم رابطه بین امامت و خاتمیت و سازگاری یا عدم سازگاری بین آنها است.

رابطه بین امامت و خاتمیت با وجود اینکه از مسائل عمده و مهم کلامی است در گذشته مورد اهتمام جدی واقع نشده است و علما و متکلمان، اغلب فقط به اشاره‌ای در این مورد اکتفا کرده- اند؛ لکن در سده‌های اخیر شبهات و اشکالاتی از

جانب برخی از علمای اهل سنت نظیر شاه ولی الله دهلوی هندی و علامه اقبال لاهوری به یکی از مبانی و ارکان اصلی مذهب تشیع یعنی امامت مطرح شده است که متأسفانه برخی از روشنفکران معاصر شیعی نیز با آنها هم صدا شده و همین اشکالات را در قالب جدید و لعابی نو مطرح می‌کند و به طرح مسأله ناسازگاری خاتمیت با امامت می‌پردازند و درصددند این اصل اعتقادی شیعه را خدشه‌دار نمایند و می‌کوشند که اعتقاد شیعه به امامی که دارای علم لدنی و الهام است و از سوی پیامبر اسلام و خداوند منصوب و منصوص می‌باشد و همه اوصاف و شئون پیامبر نظیر حجت دینی، حکومت و ولایت، عصمت، داشتن ارتباط با خداوند و ... را داراست و تفاوت او با پیامبر در نداشتن مقام نبوت و نحوه ارتباط با خدا از طریق وحی و آوردن شریعت- که به عنوان مختصات پیامبران است می‌باشد- را در تعارض با خاتمیت معرفی کنند و به طرح مسأله ناسازگاری خاتمیت با امامت پرداخته- اند و با بهره‌گیری از تفکرات اقبال، ختم نبوت را سرآغاز بلوغی می‌دانند که مستلزم آزادی بشر در فهم و عمل است تا جایی که دیگر مجبور به اطاعت از هم‌نوع خویش نیست؛ چون که او نیز از خطا و اشتباه در امان نیست و در امکان خطا با خودش برابر است؛ از نظر آنها عقیده داشتن به امام منصوب و معصوم و مفترض الطاعه در ناسازگاری جدی با خاتمیت است و آن برآمده از

ذهن غالبان شیعه است. ایشان با تاکید فراوان بر حجیت قول پیامبر با نادیده گرفتن همه اقوال و احادیث پیامبر در خصوص ائمه، حجیت قول آنها را قابل خدشه دانسته و از طرف دیگر با تاکید فراوان بر بلوغ عقلي مردمان عصر پیامبر بی-نیازی به وحی و یا به تعبیری بی‌نیازی به دین را مطرح کرده‌اند. که دیگر دوران دین به سر آمده و حالا نوبت حاکمیت و یکه تازی جانشین آن یعنی علم و عقل است.

در این نوشتار برآنیم که با استدلال‌های عقلي و دلایل نقلي به مبحث خاتمیت و معنا و مفهوم واقعي آن پرداخته و ضمن بررسی دلایل تجدید نبوت‌ها و راز ختم آن نقش عقل و دین در هدایت بشر و نیز مباحث امامت، وظایف آنها، ویژگی آنها و سرانجام نحوه رابطه این دو (خاتمیت و امامت) را مورد بررسی قرار دهیم تا سازگاری یا عدم سازگاری آن با امامت مشخص شود.

پیشینه تحقیق:

مطالعه در مورد خاتمیت و همچنین در مورد حقیقت و حقانیت امامت سابقه بسیار طولانی در تاریخ اندیشه اسلامی دارد و در بین همه گروه‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و در این خصوص آثار متعدد و گوناگونی نوشته و تدوین شده است که خود حاکی

از اهمیت و جایگاه آن نزد فیلسوفان، متکلمان، مورخان و دیگر دانشمندان مسلمان می‌باشد. در مورد خاتمیت کتابی مستقل از استاد شهید مطهری و همچنین آیت اله سبحانی نوشته شده است و نیز اقبال، دکتر شریعتی و ... نیز در این خصوص مطالبی نوشته‌اند. در مورد امامت نیز با روی آوردهای مختلف اعم از فقهی، عرفانی، کلامی، تفسیری، روایی و تاریخی و ... به این موضوع پرداخته شده است و کتابها و مقالات فراوانی در این خصوص نوشته شده است؛ ولی در خصوص این موضوع خاص (امامت در سازگاری با خاتمیت) باید گفت که کتاب مستقلی نوشته نشده است.

طرح مسأله

مورخان اندیشه اسلامی عنوان کرده اند که چالش و نزاع بر سر جانشینی پیامبر اکرم و وضعیت بشر پس از خاتمیت جزء نخستین مباحث کلامی مطرح شده پس از رحلت رسول خدا (ص) به عنوان عمده ترین بحث اختلافی بین پیروان آن حضرت می باشد که در واقع انشعابات مختلف امت اسلامی ناشی از اعتقادات گروه های مختلف اسلامی در مورد این مسأله و نحوه برخورد با آن می باشد.

شیعه در مواجهه با این مسأله (جانشینی پیامبر و تکلیف انسان پس از ختم نبوت) از امامت به عنوان استمرار نبوت یاد می کند و آن را یکی از اصول اعتقادی خود دانسته و جزء تعالیم و آموزه های مهم دینی خود به حساب می آورد. حال اینکه علیرغم اجماع همه مسلمانان در خاتمیت پیامبر و اعتقاد به آن، امامت مورد پذیرش شیعیان در طول تاریخ مخالفان بسیاری داشته است؛ لذا این گروه (شیعه) همواره درصدد دفاع از حریم امامت و این اصل اعتقادی خود بوده است. در مقابل نیز مخالفان سعی و تلاش فراوانی داشته اند تا بتوانند این موضع را نقد و آن را به چالش بکشانند که این دفاع و مخالفتها مباحث فراوانی در این مورد در طول چندین قرن از تاریخ اسلام به وجود آورده است که منجر به بحث و تحقیقات

عمده‌ای در مورد امامت و مسائل فرعی مربوط به آن شده است.

سعی ما در این گفتار، شناخت بیشتر امامت و سازگاری آن با خاتمیت رسول اکرم است تا ضمن بررسی عوامل تجدید نبوت‌ها و راز ختم نبوت، نگاهی اجمالی به مسأله امامت و رابطه آن با خاتمیت نیز بیندازیم.

ضرورت موضوع

اگرچه خاتمت، اصل مورد قبول و اجماع همه مسلمانان است؛ اما تکلیف بشر پس از دوره خاتمت و طرح موضوع امامت- که یک اصل اساسی در مکتب تشیع می‌باشد و همواره اهمیت و تأثیر به سزایی در سرنوشت مسلمانان داشته است- هیچگاه از سلسله بحث‌های اصلی متفکران، اندیشمندان و حتی حاکمان و راهبران سیاسی به دور نبوده است. موضوع امامت همواره حداقل از دو جهت مورد توجه بوده است:

الف) جهت اعتقادی: این مسأله بر این اساس مناقشات و بحث‌های فراوانی را در حوزه کلام، فقه، تاریخ، تفسیر و حدیث به همراه داشته است. ب) جهت سیاسی: این موضوع از همان ابتدا درگیری‌های زیادی را باعث شده است تا جایی که شهرستانی در الملل و النحل می‌گوید: در تاریخ اسلام به خاطر هیچ مسأله‌ای به اندازه امامت، شمشیر کشیده نشده و خون ریخته نشده است.¹

مسأله امامت در واقع پایه اولیه اختلافات و منشاء درگیری‌های بوده است و با وجود اینکه تعریف و تبیین و اثبات امامت همواره مورد توجه بوده است اما در زمان ختم نبوت بررسی وضعیت و سرنوشت بشر پس از پایان دوره نبوت، مقارنت و

¹ محمدبن احمد شهرستانی، الملل و النحل، ج1، ص 24

عدم مقارنت امامت با خاتمیت، تعارض یا عدم تعارض آنها مستلزم این است که هم نگرشی درون دینی (مباحث نقلی آیات و روایات) به مساله داشته باشیم و هم در تبیین و توجیه آن بر اساس مقتضیات و شرایط، رویکردی برون دینی بر اساس عقل و حکمت به آن داشته باشیم. علاوه بر آن هر انسانی که معتقد به دین و مذهب است با اینکه خود را ملتزم و پای بند به آن دین و مذهب و قوانین و دستورات می‌داند در موارد ضرورت، دفاع از آن دین و مذهب و اعتقادات را بر خود لازم می‌داند؛ لذا پرداختن به امامت به عنوان یکی از اصول اعتقادی ما شیعیان ضرورت پیدا می‌کند.

همچنین به دلایل ذیل: اولاً از اعتقادات مسلم شیعه است که زمین هیچگاه خالی از حجت نیست. ثانیاً مرگ بدون شناخت امام زمان در حکم مرگ جاهلی یعنی مرگ بدون اسلام است « من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة¹ ». ثالثاً به حکم ادله قطعی (آیات و روایات) اطاعت از آنها واجب است پس شناخت عالمانه و دقیق آنها ضروری است رابعاً جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم و ظلم و فساد و بی‌عدالتی آن را فراگرفته است اعتقاد به منجی بودن امام از یک طرف و از طرف دیگر هجمه‌های ناجوانمردانه و مغرضانه نسبت به دین اسلام خصوصاً امامت و مهدویت که شکل تازه‌ای به

خود گرفته است و هر روز شاهد توهین و تحقیر
مسلمانان و اشکالات و شبهات گوناگون با نقشه‌ها
و ترفندهای مختلف که سعی می‌کنند امامت را خدشه
دار کنند و امام و امامت را منکر می‌شوند و
می‌گویند با ختم نبوت شخصیت هیچ کس حجت نیست؛
لذا پرداختن به این اصل اساسی در این عصر از
هر زمان دیگر ضروری‌تر
می‌نماید.

انگیزه انتخاب موضوع:

هرگاه در خصوص موضوع پایان نامه می‌اندیشیدم در عین حال که درصدد انتخاب موضوع بوده تا طبق معمول در فکر گذراندن این واحد درسی باشم از این که برخی از دوستان که غالباً از توانایی بسیار بالایی در حوزه فلسفه و کلام برخوردارند موضوعاتی را انتخاب کرده و بسیار موشکافانه و دقیق، با تمام توان، به نحو تمام و کمال به آن موضوع پرداخته‌اند- که این موضوعات هر چند در نوع خود بسیار مفید و حائز اهمیت‌اند - همواره تأسف می‌خوردم چرا این دوستان موضوعاتی را انتخاب نمی‌کنند که از مسائل روز باشد؟ تا بتوانند شبهاتی که آگاهانه یا ناآگاهانه و حتی گاه مغرضانه و در عین حال به نحوی خطرناک بر اعتقادات مسلمانان خاصه شیعیان وارد می‌شود جواب داده باشند؛ لذا به پیشنهاد یکی از دوستان- که ایشان نیز بر این قضیه تأکید داشتند که « سعی کن موضوعی را انتخاب کنی که بتوانی گوشه‌ای از مسائل و مشکلات و شبهات در جهان اسلام را حل کرده باشی یا حداقل درصدد حل آن باشی»- و نیز با مشورت با اساتید بزرگوار و ارجمند، این موضوع را بررسی و انتخاب نموده- ام. امیدوارم در این نوشتار بتوانم مطالبی در خور این موضوع ارائه نمایم.

سوالات اصلي تحقيق:

- 1) خاتمت چه چيزي را نفي ومنع مي‌کند و به حکم اين خاتمت وقوع چه امري ناممکن مي‌شود؟
- 2) راه نيافتن خطا در پيام ائمه مستلزم استمرار عصمت است يا استمرار نبوت؟
- 3) آيا از ختم نبوت ختم عصمت لازم مي‌آيد؟
- 4) آيا وجود عصمت با ختم نبوت ناسازگار است؟
- 4) امام چه تفاوتی با نبی از جهات ویژگی‌ها و اوصاف و نیز از جهت وظایف دارد؟
- 5) عوامل تجدید نبوت‌ها و راز ختم نبوت چیست؟
- 6) اعتقاد به امامت در اندیشه شیعه موجب رقیق شدن و کم‌رنگ سازی خاتمت و نقص آن است يا اينکه مکمل و متمم آن مي‌باشد؟

روش تحقيق

در اینجا با استفاده از روش کتابخانه‌اي و توصيفي به تحليل مسائل پرداخته شده است و ضمن ارائه تعاريفي از مفاهيم کليدي و ارائه توضيح مختصري در خصوص امامت و خاتمت، ادعای تعارض خاتمت و امامت بررسی مي‌شود و با بيان برخی از دیدگاه‌هاي عمده در مورد خاتمت، ارتباط آن با امامت با رویکردی عقلي و نگاهی نقلي تحليل و بررسی مي‌گردد. در اين موارد سعی شده است حتي الامکان به منابع دست اول ارجاع و استناد شده

باشد و نیز تلاش و سعی بر این بوده است که این مطالب و مباحث فلسفی باشد؛ اما به علت قرابت و نزدیکی ناگزیر به طرح مباحث کلامی و تفسیری نیز شده ام؛ لذا هر چند هدف اصلی اثبات و تبیین امامت و عدم ناسازگاری آن با خاتمیت با استمداد از عقل بوده است با بهره‌گیری از قرآن و احادیث و روایات، توجیه و تبیین مسائل را به آیات و روایات مزین نموده ام.